

# رهائی



سال سوم، شماره ۱۱۰

پنجشنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۶۰

## نشریه سازمان وحدت کمونیستی

# نگاهی به برنامه مرحله‌ای دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی

چندی پیش ( # ) خبرگزار بهیاری خارجی اطلاع دادند که رجوی و بنی صدر، دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران را در پاریس تشکیل دادند. هرآشنی محظورات دولت فرانسه در اعلام تشکیل دولت موقت در خاک فرانسه رجوی و بنی صدر، تشکیل دولت موقت را رسماً تکذیب کردند و اعلام داشتند که دولت آنها نه در تبعید بلکه پس از سرنگونی رژیم خمینی، در ایران تشکیل میشود. با اینحال اخیراً متن کامل برنامه‌ی دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی در سیزده صفحه‌ی بزرگ، دارای سه فصل و مواد و تبصره‌های متعدد، با امضای مسعود رجوی بعنوان مسئول شورای ملی مقاومت، مورخ ۵ مهر ۱۳۶۰، بدستمان رسید.

قبل از بررسی محتوای این برنامه، لازمست چکیده‌ای از متن آنرا نقل کنیم.

فصل اول

موقتی داشتن کلیه مقامات و مسئولیتها و نهاد های دوران انتقال ( ماده ۵ )، شورای ملی ( مقاومت )، برای استقلال، آزادی و جمهوری دموکراتیک اسلامی، مرجع نهائی تصمیمگیری و اداره امور کشور طی دوران انتقال است و برجسب اساسنامه‌ی خود ( ۴ )، اتخاذ تصمیم میکند ( ماده ۶ )، ریاست کشور و جمهوری، بط انتخابات جمعی ریاست جمهوری برعهده‌ی آقای دکتر ابوالحسن بنی‌صدر است که در رأس کشور و به هیچ حزب و گروه و جمعیت سیاسی بستگی نداشته و هرگونه حزب تحت نام ایشان ممنوع است ( ماده ۷ )، مسئولیت اینحانب ( مسعود رجوی ) نیز چنان بعنوان مسئول و سخنگوی رسمی شورای وحدت مقام تشکیل دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی، صرفاً موقتی است ( ماده ۸ ) .

فصل دوم

این فصل به بیان نظرگاههای اساسی و خط مشی "دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی" اختصاص دارد و سرخط اساسی ترین سیاستهای دولت موقت، در ۹ بخش بیان میشود که فشرده‌ی این بخش‌های نه گانه بشرح زیر است:

(۱-) مقاومت مشروع ملی و حراز حاکمیت سرزمینی ( برسمیت شناختن حق تصمیم گیری و تعیین سرنوشت )

فصل اول این برنامه تحت عنوان " وضعیت موقت و وظیفه‌ی اساسی دوران انتقال دارای ۸ ماده است که اساسی ترین مواد آن بشرح زیر است:

"موقت بودن دولت جمهوری دموکراتیک اسلامی" و انتقال حاکمیت به مردم ایران ( ماده ۱ )، ایجاد مجلس موسسان "از طریق انتخابات آزاد ( با هر گونه نظارت و تضمین مردم ) برای تعیین نظام قانونی جدید و روش قانون اساسی آن ( ماده ۳ )، عدم صلاحیت ایادی امپریالیسم و ارتجاع و بقایای شاه و خمینی و نیروها و احزاب وفادار به آنها در صورتی که خود را بعنوان نامزد انتخاباتی در مجلس موسسان معرفی کنند ( ماده ۴ )، صرفاً جنبه

## توضیح علت تأخیر

## در انتشار رهائی

در صفحه ۱۵

( \* ) این نوشته چند هفته پیش نوشته شده بود که بدنبال تأخیر انتشار بخوبی که در همین شماره‌ها را کردیم، انتشار آن به تأخیر افتاد .

تکثیر از طرفداران سازمان وحدت کمونیستی در خارج از کشور

در این بخش پس از ذکر جنایات خمینی و دشمن درنده خوئی که جنایاتش در تاریخ گم سابقه است و افشا، ماهیت احزاب و نیروهای جنایتکار دست راستی و فرصت طلب که مجموعاً "جبهه متحد ارتجاع" نام گرفتند نتیجه گرفته میشود که :

۱- احراز حاکمیت مردمی از طریق دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی، ارزشمندترین رفتار و مقاومت ما در لایه‌های ملت ایران است، رفتار و ( که ) به اعتقاد مسلمانان راستین، اراده‌ی خدا نیز در پهنه اجتماعی اساساً و تاریخیاً از طریق آن به ظهور میرسد .

۲- "هدفهای تاریخی این حاکمیت و مسیر واقعی وحدت پس از اشاره به اینکه در روزهای قبل از قیام، توده‌های مردم محروم ما در مبارزه علیه دیکتاتور دستان نشاندۀ شاه"، "شعار جمهوری اسلامی"، "آزادی، استقلال و عدالت و یگانگی اجتماعی را می‌طلبیدند" چرا که "انها تحت رایت اسلام، انتظاری جز این نداشتند". چنانکه پدر طالقانی سز برحسب بینش اسلامی خود بروی هدفهای تاریخی حاکمیت مردمی تاکید داشت. در حالیکه خمینی در انحراف عظیم و نابخشودنی‌اش از مسیر وحدت بود که مجدداً تفرقه و تجزیه و بی‌اعتمادی در صفوف مختلف ملت را بجا آورد. این زد "بنا بر این" انقلاب کیسیر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی ما در مسیر هدفهای تاریخی حاکمیت مردمی جاری است و صرفاً از طریق پیوند زدن گذشته مبارزاتی ملت ایران با آینده سوید بخش و سازندگان متحقق میشود .

۳- "نجات ارباب‌های اصیل و ترقیخواهان ملی و مصلحتی در این بخش در آغاز "به انهدام و سرکوبی ارتجاعی همه ارزشهای اصیل و ترقیخواهان ملی از جانب خمینی اشاره میشود که : بارزترین نمود این حقیقت را میتوان تخفیف و توهین به پیشوای فقید نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق و الگوسازی مرتجعین قهاری چون شیخ فضل‌الله و کاشانی که بکرات از جانب خمینی تکرار شد، با یافت و سرانجام ننگ گرفته میشود که : به اعتقاد مسلمانان واقعی، ایرانیت و ملی‌گرائی ترقیخواهانانه دقیقاً در خدمت آرمانهای رهائی بخش مردمی اسلامی است".

۴- "محتوای ملی، دموکراتیک و ضدامپریالیستی انقلاب در این بخش، پس از اشاره به اینکه "از فردای انقلاب ۲۲ بهمن، کلمه والا و برانگیزنده‌ی انقلاب همچون بسیاری کلمات دیگر به بالاترین درجه توسط مرتجعین حاکم به ابتدال کشانده شد و نیز اشاره به اینکه "اساسی‌ترین شعارها و خواسته‌های عمومی مردم در زمان شاه، در زمان خمینی نیز پراورده نگردید" اضافه میگردد که : بنا بر این، وفاداری بهمان عام‌ترین انتظارات تمامی ملت ایران از انقلاب ۱۳۵۷، خصوصیات انقلاب آزادبخش و استقلال طلبانانه را عیناً ملی‌بود دموکراتیک و ضدامپریالیستی تعریف میکنیم، خصوصیات که به اعتقاد

مسلمانان راستین دقیقاً در جهت اسلام واقعی بوده و نقض عملی آنها، توسط خمینی، بزرگترین جنایات ضد اسلامی او محسوب میشود .

۵- "اهمیت برسمیت شناختن محتوا و خصایص ویژه انقلاب در این بخش گفته میشود که "برسمیت شناختن محتوا و خصوصیات دموکراتیک و ضدامپریالیستی انقلاب ایجاب میکند که . . . کلیه ضوابط یا ساختار، قوانین و مناسبات اجتماعی کمپادوری و ارتجاعی ملغی و بجای آن مناسبات نوین استقلال طلبانه و دموکراتیک مستقر گردد . . . پس در سازمان ایران فردا، نه سرمایه‌داری وابسته به خارجی و نه فتوایسم جائی خواهد داشت . (۱)

۶- "تضمین پیروزی انقلاب و عدم رجعت به گذشته" در این بخش می‌آید که : . . . هیچ تضمین واقعی دیگری برای پیروزی انقلاب جز جهت گیری و رشد ضد استعمار وجود ندارد . . . و اینهم مبارزه توانمان سازندگی و آید کولوزیک است . . . اما چنین مبارزهای در مسیر رشدی مستقل (ونه وابسته) در چارچوب محاصره هرگونه ستمو استعمار میسر است که خود اجتماعاً ملازم با اتکال به اینو دهقانان و کارگران محروم ایران می باشد .

۷- "نظام شورائی، متکاملترین شکل اداره امور کشور و پایداری انقلاب در این بخش اعلام میشود که : تضمین پیروزی نهائی انقلاب و همچنین تثبیت آزادی و استقلال پایدار کشور . . . گسترش تدریجی نظام شورائی در همه شئون و سازمان اداری کشور است

۸- "مفهوم رد یکجانبه و تفسیر صرفاً سرمایه‌داری در این بخش رد یکجانبه‌ی رشد و تفسیر صرفاً سرمایه‌داری رشد بشرح زیر توضیح داده میشود که در دنیای سرمایه‌داری مرسوم است که "رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی صرفاً بر اساس پیشرفت های مادی و امار و ارقام اقتصادی ارزیابی شود . و از طرف دیگر،

"طرز تلقی رژیم خمینی از توسعه و رشدی گمانه‌زایی بدون هیچ پایه‌ی مادی و اقتصادی در نظر میگرفت، بسیار ارتجاعی و درمانده است و جز ناتوانی مضاعف (هم در قبال رشد مادی و هم در قبال رشد معنوی جامعه) را بر ملا نمی‌کند . در مقابل آیین دو نوع طرز تلقی از "رشد"، دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی، وحدت برنامه ریزی در نظر و عمل را پیشنهاد میکند . طرز تلقی دولت موقت، از "وحدت برنامه ریزی در نظر و عمل بدین گونه است :

۹- "وحدت برنامه ریزی در نظر و عمل" در این بخش میخواهیم : "اعتقاد راسخ داریم که هدفهای برنامه ریزی مشخص تنها وقتی حاکم عمل می‌پوشند که برنامه در تعامیت خود طرح و اجرا شود و نه آنکه

" همچون حکمران رژیم خمینی هر آنچه را که مصلحت روز باشد اجرا نمود از این احکام درست و نتیجه گیری نادرست زیرا که بعد از آن خواهیم پرداخت) ، ارائه میشود که بنا بر این ما

هرگونه مثله کردن و زجاعت انداختن برنامه حاضر ( برنامه دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی که در فصل سوم عنوان خواهد شد ) را محکوم می کنیم .

فصل سوم

فصل سوم دارای ۲ بخش توضیحات فراوان و مواد و تذکرات متعدد است. این فصل تحت عنوان مواد برنامهی مرحلهای دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی، اساس و چارچوب برنامهی دولت موقت را تشکیل میدهد که در زیر خلاصه ای از اولین بخش به بحث استقلال اختصاص دارد که دارای عمده و تذکر است. در مقدمه ای این بخش از جمله آمده است که استقلال بعنوان نخستین

دولت انقلاب ما بشمار میرفت ولی بدلیل سیاستهای ارتجاعی خمینی، ما نه تنها پس از سقوط نظام سلطنتی از بسیاری جهات مستقل تر نشدیم بلکه بگفتهی رئیس جمهوری دکتور بنی صدر، وابستگیها پتان نیز افزایش یافت. در مواد شش گانه ای این بحث، از قطع همه روابط اسارت بار امپریالیستی اعمال کامل حق حاکمیت ملی بر چرخ صنایع طبیعی و ثروتهای ملی بویژه نفت و خروج از تک پایگی اقتصادی. از طریق توسعه و رشد کشاورزی و صنایع ملی، ملی کردن تجارت خارجی، قائل شدن اولویت برای کشاورزی و بالاخره احیای صنایع ملی (۱) . در عین توجه اکید به رشد صنایع متوسط و کوچک بویژه در حوالی روستاها سخن بمیان می آید. محبت استقلال همچنین دارای سه تذکر است:

تذکر اول دولت موقت: سرطانی بودن ملی مالکیت شخصی و خصوصی و سرمایه داری فردی را می پذیرد. ضرورت برانگیخته ایجاد نامحدود و وابسته ساز... پیدا نکنند. در تذکر ۲ پس از ارائه تضمین در قطع هرگونه تحمیلات دولتی و شهرداریها به کسبه جز تولید کنندگان خریدها و بکلی ممنوع کردن رسومات ارتجاعی همچون شلاق زدن کسبهی جز توسط رژیم خمینی، اضافه میشود: بدون تصویب شورای بازر و اتحادیه های صنفی، کسبهی جز را بهیچوجه نمیتوان به پرداخت وجه مالیاتی برخلاف رضایتشان وادار نمود.

تذکر ۳- استقلال ضدیت با امپریالیسم به مفهوم ضدیت با کشورهای صنعتی در تجمیع خارجی " قائل شدن اولویت برای کشاورزی و بالاخره احیای صنایع ملی (۲) . در عین توجه اکید به رشد صنایع متوسط و کوچک بویژه در حوالی

تاریخی، اقتصادی، فنی و هنری و فرهنگی آنها نیست بنا بر این

" بخصوص با بستن حساب ویزهای برای تعطیلات مردمو نیروهای واقعی دموکراتیک کشورهای صنعتی باز نمود یعنی برغم سیاست عوامفریبانه و فرمالیستی خمینی، ما نمیخواهیم و نمیتوانیم از دنیا پیرومون خود منزوی بسر ببریم

دومین بخش به بحث آزادی اختصاص دارد. در آغاز مفهوم کلی آزادی از نظر دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی بیان میشود و اضافه میگردد: این آزادی نه یک ترفن بلکه ضرورت اجتماعی ناپذیر انقلاباتی از قبیل انقلاب ماست ولی از یکطرف

طبعا با ولنگاری بورژوازی اساسا مفایرت دارد و از سوی دیگر در همه روابط اجتماعی و سیاسی، وفاداری و اعتقاد دموکراتیک (۱) را چنانچه ممکن اعمال قهر میسازد. دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی درخصوص آزادی

" موارد زیرین را با ایجاد امکانات اقتصادی - اجتماعی تضمین میکند:

الف- آزادی کامل عقیده و بیان و منع هرگونه سانسور و تفتیش عقاید ب- آزادی کامل مطبوعات، احزاب، اجتماعات جمعیتهای سیاسی و نیز اتحادیهها و انجمنها و شوراهای سندیکاها و مختلف به استثنای احزاب و دستجات ضد انقلابی واداران شاه و خمینی. این آزادی تا مرز قیام مسلحانه بر علیه نظام مشروع و قانونی کشور، هیچ محدودیت اصولی ندارد.

ج- پذیرش حق انتقاد در کلیه سطوح و مسئولیتهای کشوری و لشگری و غیره د- انحلال دادگاههای نظامی و فوق العاده (چه از نوع بیدادگاههای شاه و چه از نوع محاکم ضد انقلابی خمینی) و رسیدگی به جرایم سیاسی مختلف در محاکم عادی یا حضور هیات منصفه و برخورداری متهم از هرگونه حق دفاع و انتخاب وکیل و داد رسی مجدد ه- منع هرگونه شکنجه بهر عنوان

و- امنیت قضائی و شغلی تمام احاد مردم، انحلال کبیتهها و پاسداران دیکتاتوری خمینی، بخش سوم مربوط است به شوراهای مردمی. در این بخش پس از تاکید بر تلاشهای پیدر پیوسته فقید در این زمینه، هدف شوراهای مردمی بدینگونه توصیف میشود:

" دولت موقت طرز کار شورائی را در دو سطح عملی خواهد نمود:

اول - شوراهای تصمیم گیرنده در زمینههایی که مانند اداره امور شهر هیچ نیازی به اعمال مرکزیت و سانسور از خارج شورا ندارد.

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دیگر باید

دوم شوراهای مشورتی (که نیاز به اعمال مرکزیت و سانسورالسم از خارج از شورا دارد) با اختیارات کمتر که یا صرفاً نقش مشورتی داشته و یا فقط حق وتو و یا فی‌المثل حق لغو انتصابات، مدبران یا فرماندهان مربوطه را دارند . البته مضافاً اعلام میکردد :

" . . . دولت موقت اجازه نخواهد داد که شوراها و همچنین سایر مجامع انتخابی، مصنوعاً و با اعمال خدعه و تقلب، الت فعل هیچ گروه، حزب، سازمان و حتی دولت حاکم گردد . اگر چه اختصاص دارد به تساوی حقوق بخش چهارم اختصاص دارد به تساوی حقوق سیاسی و اجتماعی کلیه افراد ملت ایران در این بخش می آید :

" اصل حاکمیت مردم ایجاب میکند که آراء عمومی کاملاً محترم شمرده شود و اضافه میگردد : رای گیری دموکراتیک نیستند . در این بخش، بر روی تساوی حقوق سیاسی و اجتماعی همه افراد ملت و لغو امتیازات جنسی و قومی و عقیدتی تکیه میشود ولی

" با این تاکید که بنهان نمودن فرصت طلبانهی عقاید و افکار، برای جلب تقلب امیز نیز بشدت محکوم است و اضافه میگردد :

" باید تذکر داد که به اعتقاد مسلمانان الفاء تبعیضات سیاسی و اجتماعی در میان تمام احاد ملت به هیچوجه بمنابه صرفنظر کردن از حقایق نیست که برای اسلام محمدی قائلیم به این دلیل مبرهن روز که

" دقیقاً برخلاف خمینی . . . ما عمیقاً معتقدیم که شکوفائی واقعی اسلام در عدم استفاده از هیچ گونه تبعیض و امتیاز و اجبار سیاسی و اجتماعی میسر است .

بخش پنجم مربوط به حقوق ملیت ها " است . در این بخش گفته میشود :

خود مختاری داخلی به مفهوم رفع ستم مضاعف از همه شاخهها و متفرعات ملی و وطنمان و تأمین جمیع حقوق و آزادیهای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی برای آنها در چارچوب وحدت و حاکمیت و یکپارچگی تجزیهنا پذیر کل کشور ضرورت جدی دارد . بنحیون تاکید در مورد کردستان اضافه میشود :

دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی همچنین تلاش خواهد کرد تا قومیت محلی ( مثلاً کردستان ) را با احقاق حقوق حقه آن ، بصورت بخشی از ملی گرائی ترقیخواهانیه تمام ملت ایران تثبیت نموده و آیند و را برای همیشه از تعارض با یکدیگر خارج سازد . . . بخش ششم به ارتش جمهوری دموکراتیک اسلامی "

## درباب " آزادی رای " نمایندگان مجلس

وقتی دولتی انهدام موجودیتش را به

رای العین می بیند و با ضرب شلاق و زندان و اعدام و زند ۳ و خلاصه دد منشا نهترین وسایل در صد حفظ موجودیتش برمیآید به تناقض کوفتی های قاحش می افتد . این تناقض کوفتی ها ابعاد وسیعی را در بر میگیرد و اجتناب از حرافتی خود وسیلهای است برای تناقض نگفتن . ما در زیر به یک نمونه کاملاً آشکار - مشتاق زخرواها - از این تناقضات که به عیان هر دو در یکروزنامه و حتی در یک صفحه از روزنامهی جمهوری اسلامی ، این ارگان سیاه دلان فاشیست جمهوری اسلامی ، چاپ شده اند اشاره می کنیم . جالب توجه این است که این درافشانیها ( ) از جانب دو تن از کسانی که خمینی متخراً ادعای بزرگ کرد نشان را دارد صورت گرفته است .

رفسنجانی ، مرد شمارهی دو و جمهوری اسلامی ، جانی خوش خطوخالی که از انقلابیون سوای کینهی طبقاتی کینهی شخصی چند ساله نیز دارد در خطبه بی پر و ته دو نماز جمعها و با بان ما ماش میگوید : من می بینم که بعضی از اعضای حزب جمهوری ( به ولایتی ) رای مخالف دادند و یعنی توی حزب ما به عضو حزب نمیگوشیم که شما هر چه دبیرکل حزب میگوید و یا شورای حزب گفت ( بگوشید ) ، از آزاد ، مملکت آزادی ( است ) . . . بسیاری از این نمایندگان که با اعلامیههای حزب جمهوری و حمایت

حزب جمهوری گانندید شده بودند و پیروز شدند رای خلاف دادند و حقشان بود ( ( طبق )) تشخیصشان عمل کنند . درد روزی این جمهوری بین طوری است . پس از آنجا که " مملکت آزادی " است نمایندگان نمک پرورد هی حزب حقشان است که مطابق تشخیص عمل کنند .

این که در نمایش خیمه شب بازی بنا مجلس شورای اسلامی تا اینقدر آزادی است که حتی پیروزوهای ورشکسته و بی لیاقت و زبون و بی آزاری مثل بازرگان کله و فکایتها دارند و اشکها می ریزند و غیبتها میکنند ، بماند ، آنچه شنیدنی است جملهای از نطق کوتاه رئیس جمهور فوق الذکر میباشد :

" من این اقدام شجاعانهی مجلس ( در رد ولایتی ) را ستایش میکنم و معتقد هستم که این شجاعانهترین اقدامات مجلس بوده است . ( همانجا ) جل الخالق لها نما بندگان مجلسی انقدر دست آموز ، بی بخار و آبله هستند که در مملکت آزاد صحبت کرد نشان شجاعانهترین اقدامات محسوب میشود و یا اینکه تصویری که از مملکت آزاد " در آذهان کورشان متصور است مانند چیزهای دیگر انقدر رازگوشه است که به حق نیاز به " اقدام شجاعانه دارد برای نمایندگان - رس - مجلس "

و تجدید سازمان مردمی ارتش بمشرف به "جندی ترین ضرورت‌های بقا" کشور و تکمیل انقلاب اختصاصی دارد. و این تجدید سازمان، پیوسته در جنبه‌های خواسته‌های پرسنل ملی و مردمی ارتش نیز بود ما سسته و

ی- قطع هر گونه واردات خارجی در امر کشاورزی و دامپروری برای تشویق تولید داخلی مگر به منظور تأمین کسر تولیدات داخلی برنامه در وقت در بخش هشتم خود، در نه ماده به حقوق کارگران می‌پردازد و اظهار می‌دارد که:

"دولت موقت، نکات زیر را رعایت خواهد نمود:

الف- لغو کلیه مقررات ضد کارگری ب- سهم کردن کارگران در اداره کلیه صندوق‌ها و بانک‌های مختلف کارگری و حتی المقدور سپردن این مراکز به خود آنها ج- برسمیت شناختن حق اعتصاب و هرگونه اعتراض سالم‌ت‌آمیز دیگر با اعلام قبلی

د- لغو تمام کسور دولتی از قبیل مالیات و بیمه و امثالهم از دستمزد کارگران و تأمین تدریجی هزینه‌های ضروری نظیر بیمه و بازنشستگی ه- لغو کلیه مطالبات پیشین از کارگران محروم در کلیه زمین‌ها و تلاش برای تأمین مسکن، حمل و نقل، بهداشت برای همه کارگران و تهیه (غیر مجانی؟) شیرخوارگان و کودکان برای فرزندان آنها و حق تقدم تحصیل مجانی در دانشگاه و مدارس عالی

زافزایش تصاعدی حق‌السهم کارگران از سود کارخانجات نسبت به افزایش سود کل ((کارفرما))

ح- تأمین آموزش حرفه‌ای و فنی برای کارگران غیر متخصص

بخش نهم برنامه به آموزش، تحصیلات عالی و فرهنگ اختصاص می‌یابد. در این بخش، به شرح جنایات خمینی و خصومت او با فرهنگ ملی تحصیلات عالی و دانشگاه‌های کشور که اثر خصومت با ساواک شاه بیشتر بود، اظهار میشود.

"به اعتقاد ما مسلمانان، عظمت تاریخ زبان خمینی متوجه فرهنگ‌دراستین اسلام محمدی و علوی شد ماست که با بستن با ترویج حقایق اسلام انقلابی، هر چه زودتر آثار ویرانگر جنایت خمینی را در میان مسلمانان جهان پیویزه ایران زدود."

"دولت موقت، در زمینه آموزش، تحصیلات عالی و فرهنگ"

فملاً موارد زیرین را برعهده میگیرد: الف- استقلال کامل دانشگاه‌ها و مدارس عالی و ادارای آنها تحت نظر شورای دانشگاه‌ها

ب- تلاش برای ریشه‌کنی بیسوادی و آثار جاهلیت گسترده رژیم‌های شاه و خمینی

ج- خارج کردن سازمان و تأسیسات ورزشی کشور از یک وضعیت لوکس برای اشاعه دسته بقیه در صفحه ۹

"مهمترین خصوصیات ارتش جمهوری دموکراتیک اسلامی به قرار زیر است: الف- انضباط پولادین انگاهانه است و نه کورکورانه

ب- روابط درونی آن در عین حفظ سلسله‌مراتب دموکراتیک است. ج- در ارتباط با اقدار مختلف مردم قرار دارد و ضمن برعهده داشتن آموزش نظامی تمام مردم، خود نیز حتی المقدور در مبارزه تولیدی و سازندگی کشور شرکت میکند.

د- سطح دانش و کارآئی نظامی و سیاسی خود را پیوسته از طریق دانشکده‌ها و اساتید نظامی خود بالا میبرد.

ه- برای قطع وابستگی تسلیحاتی تا سرحد امکان فنون و صنایع نظامی داخلی را تا مرز خود کفائی دقای کشور آفرایش میدهد. بخش هفتم مربوط است به سیاست ارضی و مسائل روستائی، که نخستین قدم عاجل برای نجات کشاورزی، یک اصلاحات ارضی ریشه‌ای است. در این رابطه، مضمون عمل ما بطور اصولی این خواهد بود که زمین متعلق به کسی است که روی آن کشت میکند. در موارد اساسی این بخش در ده ماده بشرح زیر ذکر شده است:

الف- تأمین حداقل تکنولوژی و وام‌های بدون بهره برای دهقانان نیازمند و تأمین آب کافی و تصحیح نظام آبیاری

ب- گسترش سطح زمین‌های زیر کشت و احیا و فعال نمودن اراضی قابل کشت در سراسر کشور

ج- توسعه اشکال دستجمعی بهره‌برداری از زمین . . . مشروط بر توافق اختیاری دهقانان . . .

د- ایجاد تعاونی‌های دهقانی و تقویت روحیه جمعی و شورائی کشاورزی

ه- صرفنظر کردن از دهقانان تهیدست به مراجع دولتی و مالکان بزرگ و رباخواران و لغو مالیات امور زراعی آنها.

و- تربیت کادرهای آموزشی و معلمین کشاورزی و تعیین سمت آینده‌ی تکامل سازمان کشاورزی بطور دستجمعی

ز- سازمان دادن کارگاه‌های کوچک روستائی برای جذب بیکاران روستائی و بکار انداختن همه نیروهای مولد روستا

ح- تأمین مسکن برای روستائیان از طریق ایجاد شرکت‌های مناسب روستائی با خدمات ضروری به منظور ممانعت هرچه بیشتر مهاجرت به شهرها.

د- در همین رابطه، گسترش صنایع سیمان و اجراسازی

ط- تأکید بر بیمه و درمان روستائی و گسترش شبکه گاز و برق و راه‌آهن و جاده‌های ارتباطی در نواحی روستائی

# جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، حامی سرمایه‌دار

### ترك عادت موجب مرض است

## حزب توده و جناح "واقع بین"

بمسئول وجیاب زهر از پرسش و پاسخ ۲۰ مهبر ماه ۱۳۶۰ که در آن نورالدین کیا توری بر حسب ماد ت به توجیه سیاستهای ضدا انقلابی حزب طراز نوین اسلامی توده ادر دفاع از رژیم فاشیستی خمینی پرداخته توجه کنید

س. در خبرهایی از اروپا رسیده گفته شده است که رفیق اسکندری ضمن مسافرتهاى خود به کشورهای اروپائی در گفت وگوهايش مواضعی اتخاذ میکند که با سیاست حزب هماهنگی ندارد و مجلههاى به نام "المجله" که وابسته است به عربستان سعودی و در لندن منتشر میشود، اخیراً در مقاله‌ای از تماسهای رفیق اسکندری با علی امینی صحبت کرد است. نظر رهبری حزب در این مورد چیست؟

رفیق اسکندری به هیچ وجه با سیاست حزب مطابقت ندارد، ما آن را نادم دست می‌دانیم و محکوم میکنیم و ضمناً امیدواریم که او در این زمینه زیاده از حزب دور نشود. در غیر این صورت به تناسب آنچه که در آینده انجام گیرد، حزب حتماً تصمیمات جدیدی در این باره خواهد گرفت. ضمناً از هم اکنون بطور صریح اعلام میکنیم که اگر رفیق اسکندری در هر جا و در هر برخوردی، هر آن حرفی از خط روشن رهبری حزب که در آساند سیاسی حزب مشخص است نشان دهد، صرفاً مربوط به شخص خود است و هیچ گونه نمایندگی از سوی حزب و سخنرانی حزب را در هیچ جا به عهده ندارد.

ج: این موضوع در هیئت سیاسی بررسی شد و برای رفع ابهاماتی که ممکن است این مسائل در مورد سیاست حزب در افکار عمومی ایجاد کند، قرار شد توضیح لازم داده شود. همانطور که فقطای حزبی قطعاً از مجموع برخوردهای سالهای اخیر رفیق اسکندری اطلاع دارند، اختلاف نظر رفیق اسکندری با سیاست حزب مربوط به دوران اخیر نیست از پیش از انقلاب با سیاستی که رهبری حزب در مجموع خود اظ ز کرده بود، اختلاف نظر جدی داشت. ولی پس از بحثهای مفصل در رهبری حزب بالاخره او در پیلنوم شانزدهم به نظر مجموع رهبری حزب تمکین کرد و به تمام اسناد پیلنوم شانزدهم و از آن جمله به تحلیل حزب در باره انقلاب ایران، به موضوعی حزب در قبال سایر نیروهای انقلابی ایران و به خط حزب در پشتیبانی از سیاست ضد امپریالیستی مردمی اما همچنین رای مثبت داد. ولی پیروی او از این رای مثبت زیاد طول نکشید. رفیق اسکندری پس از اینکه به ایران آمد، در آن مصاحبه جنجالی با مجله تهران مصور که مورد اعتراض شد دید رفتاری حزبی قسار گرفت باز هم همان نظریات خودش را که خلاف مواضع حزب بود، مطرح کرد. ولی سپس در بحثی که با او شد، خود را نادم نشان داد. اشتباه خود را پذیرفت و خواست که در این مورد رهبری حزب تصمیم بگیرد.

کیا توری به شیوه‌ی ما کیا ولیستی وسی و چند ساله خود با زبانه‌های مسئله که تماسهای رفیق اسکندری با علی امینی است پرداخته سخن از اختلاف نظر جدی اسکندری با سیاست حزب به میان می‌آورد و اینکه با وجود این اسکندری به نظر مجموع رهبری تمکین کرده و بعد هم خود را نادم نشان داده است!

تمکین نادم! کیا توری، چه روشن و دقیق واقعیت درونی حزب تا مقرر استخوان منحط و خاشن توده را با این کلمات به نمایش میگذارد. بحث حتی در این حد نیست که فردی با وجود داشتن نظر مخالف خود را ملزم به اجرای نظر اکثریت دانسته است. تمکین کرده است. از خود انتقاد نکرده. خود را نادم نشان داده است. روشن است که این سوی زمینه چینی برای مطلب بعدی، خطاب به تمام اعضای حزبی است که ما با زبانه‌های دیگر اندیشی به مسئله‌هاشان خطور کند. چه، اگر در گذشته به کمک برادر بزرگتر اعضای خاطی را به سبیری یا به ایران رژیم شاه میفرستادند (مثل سروان قبادی که در مرز تیرباران شد). اکنون هم میتوانند آنها را تسلیم در خیمان جمهوری اسلامی کنند.

رهبری حزب با تفاق آراء و با پیشنهاد طرح شده از طرف خود رفیق اسکندری در باره اینکه فعلاً از ایران خارج شود و فعالیت سیاسی نداشته باشد و به فعالیت فرهنگی، به ترجمه آثار مارکسیستی و غیره بپردازد، موافقت کرد. ولی او را از ترکيب هیئت سیاسی کنار گذاشت. این تصمیمات در پیلنوم هفدهم به تظرف آرا بنا و فقطای شرکت کننده در پیلنوم مورد تأکید قرار گرفت و قرار شد که رفیق اسکندری هیچگونه فعالیت سیاسی انجام ندهد. اخیراً اطلاع رسید ما است که رفیق اسکندری به از همان مخالفتهاى خود را با خط اساسی سیاست حزب اظ کرد است. به این جهت من ما موریت دارم از طرف رهبری حزب رسماً اعلام کنم که این عمل

بگذریم، قصد در اینجا افشای ماهیت واقعی تشکیلات ضد انقلابی این حزب نیست مسئله در اینجا است که مطابق معمول واقعاتی از طریق کانالهای غیر حزبی و این بار از طریق مجله‌ی ناشناس المجله روده و دست حزب توده را در پوست گرد و گذاشته است. برای روشن تر شدن ما چرا کمی به عقب بازمیگردیم. حزب توده معتقد بود: برخی از محافل ((۲)) نیز که تاکنون نظیر مشیتی نسبت به رژیم (شاه)) داشته اند، از سیاست ما چرا جوانهای داخلی و خارجی ان نگراشتند (دنیاء شماره ۴ دوم اردیبهشت ۳۵ صفحه ۲۷). سپس در صفحه ۲۸، ۲۹، و در واقعیت امر به همان محافل اطعمیان میدهند که "شمار سرنگونی رژیم را تا کتیک" میداند.

# ایران و مطبوعات جهان

"وقتی که ما مسئله‌ی جمهوری دموکراتیک (اسلامی) را پیش می‌کشیم، توجه ما از نوع دموکراسی غربی نیست شرابط تاریخی و فرهنگی ما در اساس با هم مخالفند... "دموکراتیک" برای ما به این معناست که ما دیکتاتوری ارتجاعی را نمی‌پذیریم. روحی اظهار میدارد:

"پایه مجاهدین را اساساً کارگران و مستضعفان تشکیل می‌دهند... اما نهان مستضعفانی که خمینی صحبتش را میکند... علاوه بر اینها در حال حاضر تمام قشرهای دیگر جمعیت، حتی تجار بازاری، از ما حمایت میکنند."

روزنامه‌ی لیبیراسیون از قول دبیرانتهای غربی معین تهران می‌نویسد:  
تعداد اعضاء مسلح مجاهدین بین ۲۰ تا ۲۵ هزار نفر روحدود ۵۰۰ هزار هوا دار است. وقتی که خبریگار روزنامه‌ی مطلب را با رجوسی در میان میکند، او فقط جواب میدهد:  
"میلیونها نفر هوا دار."

خبرنگار لیبیراسیون مینویسد:  
تشریح حال تعدادی از کشورهای عربی، در حال تغییر سیاست‌شان در مورد ایران می‌باشند. زیرا که مجاهدین را به اندازه کافی قوی می‌بینند. میدانیم که سازمان ا.ا.د. بیخبر فلسطین، هاشمی‌الحسن، مساور سردیک عرب‌ترازید روحی فرستاد. با اینکه برخی از کشورهای عربی تماسهای مخفیانه‌ها ترخیص میدهند، با اینحال این روزها، اسب‌پوشهای دبیرانتهای سیاسی در اطراف "اور - سور - اواز" (محل اقامت روحی - بنی صدر) بخشهمچورد. اگر مطبوعات رسمی لیبی از هر نوع حمله علیه رژیم خمینی خودداری میکنند با اینحال روزنامه‌ها و مجلات طرفدار لیبی، سدت رژیم تهران را مورد حمله قرار میدهند... برای انحراریر، که معیار عدم در حالت در امور داخلی ایران به معنای "حفظ رابطه با تمام طرفهای دعوا" است، نبوی خود، سه میزان زیادی بر روی "عامل مجاهدین" حساب میکنند. مصافق آنکه الحزازیر حافظ مناصب ایران در امریکا است، و لازم است که بدانند در صورت بازرس دادن اموال ایران آنها را باید به حکمی تحویل دهد. چند روز پیش، یکی از دبیرانتهای معروف عرب درباریس بمکا میگفت: "خمینی بخاطر حاذق‌تر هنوز با برجا مانده و این حادثه در حال حاضر، او را سه حمایت مردم مطبوعی میسازد اما این وضع خندان بطول نخواهد انجامید و آن تصویر، درهم شکسته خواهد شد. این درهم‌شکنش تصویر او، هر چه خمینی در داخل و در سطح بین‌المللی بیشتر مرتکب خطا شود، سریعتر صورت خواهد گرفت."

روزنامه‌ی فرانسوی لیبیراسیون در شماره‌ی مورخ ۲۱ سپتامبر ۸۱ (۳۰ شهریور ۶۰) مقاله‌ی چاپ کرده است تحت عنوان "روحی با کردها به تفاهم رسد" این مقاله حاصل گفتگوهایی است با مسعود رجودی که در زیر قسمتهایی از این مقاله را نقل میکنیم. روحی در مورد نظرات مسلحانه خیابانی (اکنون فراموش شده‌ی) مجاهدین میگوید: این ضابطه "اغار مرحله‌ی جدید در مبارزه است."

زیرا که ابتدا باید حوترور و وحشت را در هم شکست. وما در آن موفق شدیم. از ۲۰ ژوئن (۳۰ خرداد) تا تاریخ عزل قطعی بنی صدر در امکان نظرات در ایران وجود نداشت... ما دوباره حیوانات را بدست آوردیم و خلق، امکان سان ناراضی حیوان را باز یافته است (۱). همه‌ی پنهان‌نشان است که با بان کار خمینی نزدیک است. الان تماس‌هایی که مطرح است، تاریخ رفتن او به سوریه ملی مقاومت از تمام کارگران حیاطه است که دست به اعتصاب عمومی بزنند. براداران ارتش، ما فعالان در بیشتر عملیات مقاومت شرکت دارند از جمله در حمله مقرر اسد اران.

خبرنگار لیبیراسیون از روحی می‌پرسد:  
"با اینکه ایران حرب جمهوری اسلامی از بیس رفتانند چگونه است که رژیم خمینی هنوز با برجا است؟"  
روحی جواب میدهد:

"بعثت خمینی، فقط بعثت خمینی" و اضافه میکند:  
"خمینی همواره در دسترس جیسر مفاومت فراد است و جیسر میتوانست کارش را یکسره کند. اما مسئله‌ی اصلی ما فهماندن این موضوع است که هر اامشئول تمام وقایع است... ما میخواهیم خمینی را جلودادگاه ببریم و از او پرسیم خدا چه وقت از او خواست که دست‌های همه جنایت‌بزند."

لیبراسیون سپس به کفرانین جبهه پایبنداری اشاره میکند و مینویسد:  
حضور نظامی وزیرخارجها بران به هنگام گشایش کفرانین جبهه پایبنداری، موجب عصیانیت شرکت کنندگان در کفرانین گردید. بنظر میرسد که الجزایر و سازمان آزاد بیخیش

روحی در مصاحبه‌س با لیبیراسیون از علاقه‌ی خاص خود به مفهوم "دموکراسی سخن میگوید و به عنوان مد رگ، عنوان "جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران" را ارائه میدهد و با این همه، مانع از طرفداران جمهوری (غیر دموکراتیک) اسلامی، اضافه میکند:

همچنین اعلام داشت که مذاکرات برای حل اختلافات ناشی از این تصمیم به عهد و هیأتی محول گردیده است .

ادامه مقاله لوموند ، از ریگاری و عوامفریبی رژیم جمهوری اسلامی در تصمیم به اصطلاح برای قطع وابستگی پرده بر میدارد :

"چند ماه قبل ( از این تصمیم ) ، کمپانی های خارجی ( ایتالیا ، ژاپنی ، فرانسوی ، هندی ) از استخراج نفت ایران خودداری کردند و در نتیجه ، تصمیم اخیر ایران ، جز صحه گذاشتن بریک عمل قبلاً انجام شده چیز دیگری نبود . از طرف دیگر ، ( مذاکرات برای حل اختلافات ) ، بنظر کارشناسان ، به معنای درخواست ضمنی مصالحه ( با کمپانی های خارجی ) ( و بیشتر از آن ، بازگذاشتن در اشتهای و سایر دلچظهاست که صنعت نفت ایران ، با مشکلات فراوانی دست به گریبان است . در واقع میانگین صادرات نفت ایران در ۶ ماهه اول سال ۸۱ ، از هفتصد هزار بشکه در روز تجاوز میکنند و این در حالی است که بودجهی کشور جهت مقابله با مخارج جنگی ، بر اساس فروش در ۱ میلیون و پانصد هزار بشکه نفت در روز پایه گذاری شده بود . این وضع در هفته های اخیر ، بیشتر روبه وخامت گذاشته است . قیمت بالای در خواستی میتوانند یکی از دلایل به فروش نرفتن نفت ایران باشد ، بدون شک ، مشکلات فنی در مناطقی نفتی ، در این امر ، تاثیر بسزائی دارد .

یکی از خبرنگاران تلویزیون " بی بی سی " در وزارت خارجه گفت :  
وقتی که بنی صدر توسط رقبای مذهبی خود از کار برکنار شد ، طراحان سیاسی امریکا هر چند این گفته عجیب بنظر میرسد - نفس را حتی کشیدند ، زیرا که یک عنصر ضعیف از گردنهای سیاست ایران خارج شده بود . اما وقتی که در جریان بمب گذاری ، حزب جمهوری اسلامی ، ایستادگی بهشتی ، حاشین خمینی ، کشته شد ، طراحان سیاسی امریکا نا امید شدند چون بهشتی رهبر نیرومندی بود .

در شماره های گذشته رهائی ، در همین صفحات عارضی از مصاحبه با دکتر امینی ، سرسید سردی امریکا با روزنامه لوموند مورخ ۱۳ اوت ۸۱ را نقل قول کرد بودیم که دقیقاً همین حرفها زده بود . ما بهی تأسف است که بهشتی کشته شد ، چون پسر حال ، مردی باهوش بود . در حین بهشتی تیری از حزب توده ، که مونیست را همپا ما تورهائی حساب شده از بین میبرد

خبرنگار " بی بی سی " می افزاید :  
نظریه واشنگتن شدت تحت تاثیر این امر قرار دارد که ایران تنها مانع بر سر راه شوروی برای رسیدن به چاههای نفت خلیج فارس است . بنابراین هر مسأله ای که حکومت ( فعلی ) ایران را تقویت کند - حتی اگر ما از بقیه رصفحه ۱۴

فلسطین از حضور موسوی که توسط لیبی " دعوت شد مهود چند آن خشنود نبهوند ، با اینحال کشورهای جبهه های پایداری موقعیت را مغتنم دانستند تا توضیحات او را در مورد اوضاع ایران بشنوند . وزیر خارجه لیبی آن که با نیت جلب حمایت جبهه پایداری آمده بود سعی میکرد طوری حرف بزند که لیبی بی هادوست دارند بشنوند ، خطب های متعددی مرتکب شد . تأکید خبر خریف اسلحه از اسرائیل توسط رژیم تهران یک هفته قبل از کنفرانس جبهه پایداری ، چیزی نبود که بهر ویرا شدن وضع کمک کند .

فعال کشورهای عرب ، بویژه الجزایر ، روابط - شان را با رژیمها کم حفظ کردند و میگویند " مجاهدین نمیخواهند با بره انداختن حمام خون بقدرت برسند و با آخره روزی نیاز به افراد جدیدی برای خارج شدن از این بن خواهیم داشت .

لیبراسیون که از مخاطب خود ، " دیلمات عرب " ( شاید الجزایری ) پرسیده بود : " این حرف به معنای این است که هیچ چیز بدون مجاهدین ممکن نخواهد بود " . جواب شنید که :  
" آنها تنها موفق نخواهند شد " .

وقتی خبرنگار لیبراسیون حاصل این گفت و شنود را با مسعود رجوی در میان گذاشت ، رجوی پاسخ داد :  
" وقایع اخیر ، نیروی واقعی ما را نشان داد . ما در هیچ گونه سازشی ( با رژیم ) شرکت نخواهیم کرد . ما با استدلالها آشنا هستیم ، استدلالهایی که میگوید : ما قادر به اداری کشور نمی باشیم . . . در هر حال ما با اندازهی شاه و خمینی ، اوضاع را خراب نخواهیم کرد . ما مردم خود ما را آنطوریکه آنها در کردستان کردند ، بهیاران نخواهیم کرد .

لیبراسیون اضافه میکند :  
از مدت ها قبل ، موضوع توافق های کردها و مجاهدین شنیده میشد . این امر اکنون تحقق یافته است . هفته های گذشته ، برای اولین بار یکی از نمایندگان حزب دموکرات کردستان لیبی برای دیدن رجوی به اور - سور باور آمد .  
خبرنگار لیبراسیون می نویسد ، انجام این ملاقات توسط رجوی مورد تأکید قرار گرفت و او اضافه کرد که :

" من به عنوان مسئول شورای ملی مقاومت " به او ( نماینده حزب دموکرات کردستان ایران ) ( اطمینان داد که با خود مختاری کردستان در چهار چوب حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران ، موافقت خواهد شد . با قای بنی صدر هم این اصل را می پذیرند " .

لوموند در ۱۰ سپتامبر نوشت :  
وزیرنفت ایران در ۸ سپتامبر اعلام داشت که گلبهی قرار داد های فنی مربوط به تولید و استخراج با کمپانیهای خارجی که در رژیم سابق منعقد شده است ، ملغی شده است . او

# سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی



نگاهی به ... بقیه از صفحه ۵

جمعی و سراسری ورزش ...  
 د - حفاظت از آثار باستانی - موزهها و  
 موارث تاریخی  
 ه - ترویج ادبیات و هنر و تفریح ، مستقل  
 و مردمی  
 و - جذب مغزها و هموطنان متخصص در  
 خارج و داخل کشور و عوت از آنها برای خدمت  
 به مردم میهن شان ...  
 بخش دهمه برای بری سیاسی - اجتماعیی زن  
 و مرد اختصاص دارد :  
 " دولت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران بر  
 تلاش به منظور تامین کامل حقوق تمامی زنان  
 کشور و دفاع از هرعد متساوی و متحد و دیت  
 بهره‌گسانه‌ی طبقاتی ، تاکید میکند"  
 و اضافه میکند که :

" برخورداری از حقوق سیاسی و اقتصادی  
 و اجتماعی متساوی ، برخورداری از دستمزدهای  
 برابر کار مساوی با مردان ، برخورداری  
 از امتیازات ویژه‌ی زنان در حین کار  
 و همکاران همسرهای از دستم تاریک ارتجایی  
 و تلقی کالای سرمایه‌داری از خصوصیات  
 این عصر جدید رهائی است  
 بخش یا زد هم مربوط است به تامین رفاه اجتماعی"  
 در این بخش پس از اشاره به اینکه  
 برخلاف رژیم ارتجایی خمینی ، دولت موقت  
 جمهوری دموکراتیک اسلامی بر آن نیست که  
 مردم انقلاب کردند تا از هیچگونه رفاه و  
 تامین اجتماعی برخوردار نباشند ! ...  
 عکس ، به اعتقاد ما تامین اجتماعی نیاز -  
 های لازم مادی ، خود ضرورت شیوفائی نیازها  
 و انگیزه‌های متعالی است ...

اضافه میشود که دولت موقت جمهوری دموکراتیک  
 اسلامی "بهر حال در این رابطه برای دستیابی  
 به موارد زیرین تلاش خواهد کرد :  
 الف - مهار کردن هر گونه هرج و مرج و عوامل  
 مخرب آسایش و امنیت اجتماعی  
 ب - ملی کردن طب و بهداشت عمومی و به  
 خصوصی گسترش شبکه‌ی بهداشتی و روستائی  
 ج - گسترش بیمه‌های سراسری در رشته‌های  
 مختلف (بخصوص بیمه‌های کارافتادگی و  
 بازنشستگی)  
 د - به حداقل رسانیدن مالیاتهای غیر مستقیم  
 بروی کالاهای اساسی مورد نیاز توده‌ی مردم  
 و افزایش اینگونه مالیاتها بروی مصارف  
 لوکس  
 ه - لغو کلیه‌ی مطالبات کم‌شکن رژیمهای  
 پیشین از اقشار کم درآمد

و تامین معیشت و مسکن و تحصیلات کارمندان  
 جزاد دولت و سایر خصوصی و فرزندانشان  
 بخصوص آموزگاران و دبیران و لغو بود -  
 مختلف آنان به مراجع دولتی

ز - ارتقا کیفی سطح تغذیه عمومی بویژه  
 مصرف بیروتنیین بخصوص برای کودکان و قشار  
 کم درآمد  
 آخرین بخش برنامه‌ی دولت موقت " در مورد  
 سیاست خارجی است ، در این بخش گفته میشود :  
 "سیاست خارجی دولت موقت جمهوری دموکراتیک  
 اسلامی ایران بر مبنای استقلال و عهد متعهد و  
 کناره‌گرفتن از همه‌ی پیچانهای سیاسی و  
 نظامی استعماری و حفاظت از منافع و  
 آب و خاک ملی ( تاکید از متن برنامه است ) از  
 اصول زیرین پیروی میکند :

- الف - عدم دخالت در امور داخلی سایرین  
 و ممانعت از دخالت دیگران در امور داخلی  
 کشور
- ب - همزیستی ، صلح و همکاری‌های بین‌المللی
- ج - احترام به منشور ملل متحد و اعلامیه‌ی جهانی  
 حقوق بشر
- د - محکوم کردن همه‌ی سیاستها و خط مشی‌های  
 نژاد پرستانه و فاشیستی
- ه - حمایت از تمامی جنبش‌های آزادی بخش ضد -  
 استبدادی ، ضد استعماری و ضد استعمارگری در  
 سراسر جهان



قبل از بررسی "برنامه‌ی مرحله‌ای دولت موقت جمهوری  
 دموکراتیک اسلامی" لازمست یک نکته را تذکره کرد  
 اختصاص دادن چند صفحه‌ی زشت به خلاصه‌ی نسبتاً  
 جامع و کامل از این برنامه عمدتاً بدلیل زیرصورت گرفت  
 ۱ - بخاطر وجود جواختناق و سرکوب وحشیانه‌ی  
 رژیم خمینی ، این برنامه‌ی مدت تعداد محدودی از  
 افراد و شاید عمدتاً بدست سازمانهای سیاسی  
 رسیده است و در نتیجه لزوم تجدید نظر کنندگان  
 با مقاد چنین برنامه‌ی کم‌بیش اشکالی داشته  
 باشند . شاید می‌بایست متن کامل آنرا منتشر کنیم  
 چراکه این برنامه سند مهمی است که در این  
 بدفعات مورد مراجعه و استفاده قرار خواهد گرفت  
 ولی متأسفانه به علت محدود بودن صفحات نشریه قادر  
 به انجام اینکار نیستیم .

۲ - قبل از نقد و بررسی این برنامه ، حداقل چاپ  
 خلاصه‌ی از مفاد آن لازم بود ، چراکه در دست  
 داشتن همین خلاصه (نسبتاً جامع و کامل) از آن ، هم  
 کار بررسی کنند و هم کارخواننده‌را آسان‌تر  
 میکند . و در واقع نمیشود برنامه‌ی را مورد نقد و  
 بررسی قرار داد که افراد معدودی احتمالاً آنرا  
 بدفاند و یا حتی بسیاری از وجود آن اطلاع  
 ندارند .

با ذکر این مقدمه ، اکنون به اختصار به بررسی  
 برنامه‌ی مرحله‌ای دولت موقت جمهوری دموکراتیک  
 اسلامی می‌پردازیم و نکاتی چند را متذکر میشویم :  
 اولین نکته‌ای که در باره‌ی این برنامه  
 مرحله‌ای دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه‌داری نیست

"دولت موقت" نیست، دولتی که عمر آن، علی‌الاصول از چند ماه (فاصله‌ی بین سرنگونی رژیم قلمی و استقرار دولت جدید و پایان کار مجلس موسسان) تجاوز نمی‌کند. این برنامه‌ی مرحله‌ای بطوریکه ملاحظه شده، برنامه‌ی یک دولتی دائمی است که تحقق آن برنامه‌ی مرحله‌ای آن (بطوریکه ملاحظه می‌شود)، چندین و چند سال وقت لازم دارد چرا که احراز واقعی بسیاری از مواد این "برنامه‌ی مرحله‌ای" دولت موقت، چندین و چند سال بطول خواهد انجامید.

در اینحال، با قبول فرض جانشینی "دولت موقت" جای رژیم کمونی، مسئله‌ی آن در وحالت زیر بیرون نیست.

۱- با در طرف چند ماه پس از سرنگونی رژیم حمیدی "دولت موقت جمهوری" دموکراتیک اسلامی برای انتقال حاکمیت به مردم ایران، "مجلس موسسان" را از طریق انتخابات آزاد (با هرگونه نظارت و تضمین مردم) تشکیل خواهد داد. و نمایندگان مردم در این مجلس، نام مشکل و محتوای نظام قانونی جدید را تعیین خواهند کرد. سپس از استقرار حاکمیت مجلس موسسان و پس از انتخابات و استقرار سبدهای قانونی جدید، وظیفه‌ی "دولت موقت" جمهوری دموکراتیک اسلامی نیز خواهد بود یا فت و برپایی با نام مشکل و محتوای جدید (نه لزوماً با نام مورد اصرار "دولت موقت")، بروی کار خواهد آمد و برنامه‌ی خود (نه لزوماً برنامه‌ی مرحله‌ای "دولت موقت") را به مرحله‌ی احراز خواهد گذاشت (و از هم‌اکنون هیچ‌کس نمیتواند با قطعیت پیش بینی کند که "دولت موقت" برنامه‌ی مرحله‌ای آن چنانکه در وقت بعدی و قانون اساسی جدید متبلور خواهد شد).

۲- با "دولت موقت جمهوری" دموکراتیک اسلامی مانند رژیم حمیدی بر آن حفظ نام مشکل و محتوای رژیم مورد نظر خود، بهر وسیله‌ی ممکن و متصور متحمل خواهد شد و چه با مجلس موسسانی هم‌کار باشد در ایجاد، البته "دولت موقت جمهوری" دموکراتیک اسلامی مساعدت برنامه‌ی مرحله‌ای یا برنامه‌ی تازه‌ای را به مورد احراز در آورده (۲)

● در برنامه‌ی "دولت موقت" انحلال ارتش ضد خلفی و تشکیل ارتش به‌دفعه‌ای که خواهد شد در گذشته که به سبب به آن حساب کتاب می‌دادند، صحبتی در میان نیست و بجای آن ارتش تعدد سازمان ارتش سخن گفته می‌شود. نکته‌ی مهم‌تر این است که اگر چه در مورد تبعه‌ی ارتش از سرسبزندگان رژیم حمیدی (که تعدادشان زیاد نیست) توسط مجاهدین پس حبس‌خانه‌ها خارج نگاشته‌اند و ولی در صد گدای برنامه، در مورد تصفیه‌ی ارتش از سرسبزندگان شاه اشاراتی نمی‌شود.

● مجاهدین که پس از رسول "میتای" بنی‌صدر، اکنون به برنامه‌ی مرحله‌ای "دولت موقت" رسیدند، کاملاً اساسی و مهمی به‌محلو برداشتند که قابل تحسین است. این برنامه، صدها بار از برنامه‌ی فوق ارتجاعی و ضد انقلابی و ضد مردمی حمیدی و ده‌ها بار از برنامه‌ی ضد انقلابی (ضد کارگری) بنی‌صدر، مترقی‌تر است. هر چند که در شکل کنونی آن برنامه‌ی باشد غیر واقعی، غیر قابل تحقیق و در یک کلمه تخیلی (در این باره بعداً توضیح

میتوان عنوان کرد اینست که علی‌الاصول، یک "دولت موقت" که قدرت را بدست می‌گیرد، همان‌طوریکه در فصل اول "برنامه" نیز دیدیم، وضعیت موقت دارد و وظیفه‌ی آن "انتقال حاکمیت به مردم ایران" است و رسالت چنین دولتی، علی‌القاعده، پس از تشکیل "مجلس موسسان" و تعیین نظام قانونی جدید و روشن قانون اساسی آن "خاتمه‌ی باید" است. براین، چنین "دولت موقت" به برنامه‌ی انجمن بطول و تقسیم نیاز ندارد چرا که این "دولت" عهد و مدار یک وظیفه‌ی موقت است و پس از انجام آن، کنار می‌رود.

اما یک نوع "دولت موقت" دیگر هم داریم که مانند "دولت موقت جمهوری اسلامی" حمیدی و کمپو بیش یا همان وعده‌های مذکور در فوق تشکیل می‌شود و در بر سر همای که دیدیم به رژیم مغرور جمهوری اسلامی تبدیل می‌گردد. بهر حال با وجود چنان سابقه‌ی شوم و هشوز از خاطرها نرفته، بحسب میتوان از "دولت موقت جمهوری" دموکراتیک اسلامی سؤال کرد که اگر قرار است مجلس موسسان از طریق انتخابات آزاد (با هرگونه نظارت و تضمین مردم) برای تعیین نظام قانونی جدید و روش قانون اساسی آن تشکیل شود، پس معنای این "برنامه‌ی مرحله‌ای" (و در واقع دراز مدت) چیست؟ برنامه‌ی که خلاصه‌ی نسبتاً جامع و کامل آنرا در صفحات قبل نقل کرده‌ایم، ابد این برنامه‌ی یک

### ترك...

بقیه ارسعه‌ی ۶

میداند. در ادامه‌ی مطعی همین اعتقاد، حدود کیا نوری می‌نویسد:

انجام مرورد برابر همه‌ی نیروهای که طرفدار آزادی و دموکراسی هستند قرار گرفته بر آن استناد محمد رضا شاه است. انجام این سرسبزترین وظیفه‌ی همه‌ی طرفداران آزادی و دموکراسی است و آنها نمیتوانند در این زمینه با همه‌ی مخالفین رژیم کمونی حتی از میان طبقات حاکم همکاری نمایند" (تاکید)

از ماست ویژه‌ی برنامه‌ی بنی‌صدر "۳۵ سال حزب توده‌ی ایران" شماره ۵، مرداد ۱۳۵۵ صفحه ۱۱۰)

صرف نظر از اینکه، تمسخری که تمام جوانندگان سطور فوق برای مدح آزادی و دموکراسی توسط افشای کیا نوری میتوانند بر لب آورند، باید گفت که با وجود چنین توجهی به "حافل" درون "طبقات حاکم"ی سابق، و علاقه‌ی حزب توده به جناح واقع پس در روز رژیم شاه (که اکنون نیز ادامه‌ی منطقی خود را در جستجو برای یافتن جناح واقع پس در درون رژیم حمیدی می‌یابد) با ورا پیکار استنداری واقعاً در یک ما موریت حزبی برای دست‌مزدی دهان آقای امینی و احتمالاً گذاشتن قول و قرارهایی برای آینده‌ی بدون جمهوری اسلامی نبود ماست، اگر نه غیر ممکن، بسیار مشکل است. تمام تلاش کیا نوری نیز به منظور رفع شبهه از دهستان سردمداران رژیم جمهوری اسلامی است؛ اسکندری نمایندگی حزب نیست، شما فعلاً کالای سوسیالیستی را بخرید.

خواهیم داد) .  
 برنامه ریزی خمینی ، برنامه می خرده بورژوازی  
 مرتجع را قبل سرمایه داری ، ضد انقلابی (ضد  
 کارگری) ضد مردمی است . میثاق مرحوم  
 بنی صدر ، برنامه بورژوازی مفلوک وسیع هویت  
 ایرانی ، ایضا ضد انقلابی (ضد کارگری) و بالعابی  
 از دموکراسی بود . و برنامه مرحلای دولت  
 موقت ، از نظر رویانی دموکراتیک (بورژوازی)  
 و از نظر زیربنای خرید بورژوازی و غیر انقلابی  
 (غیر کارگری) است و با این همه ، در شرایط  
 کنونی ، در شرایطی که انقلاب سوسیالیستی هنوز  
 امکان تحقق بیواسطه ندارد از آن میتوان بعنوان  
 یک برنامه موقتی نام برد . تکیه اساسی  
 برنامه مرحلای دولت موقت علاوه بر سرمایه  
 داری و بازار ملی ( ) ، عمدتاً بر روی دهقانان ،  
 کسبه "جز" ، کارمندان و سایر اقشار خرد  
 بورژوازی سنتی و وجدی است و کم توجهی چشمگیر  
 آن نسبت به کارگران توجه هرخوا نند ، میخاید  
 بخود جلب میکنند که بعداً به آن خواهیم پرداخت  
 ولی قبل از پرداختن به اینها ، اساسی (زیبر  
 بنائی) "برنامه مرحلای دولت موقت" تذکرو  
 تاکید بروی چند نکته لازم است :

- ۱ - گفتیم و تکرار میکنیم که این برنامه در مقام  
 مقایسه با "میثاق" ، یکگام مثبت و مهم به جلو  
 است .
- ۲ - این برنامه ، در شرایط کنونی ، یک برنامه  
 موقتی است .
- ۳ - برخورد انتقادی کمونیستها با این برنامه  
 هر برنامه موقتی دیگر ، بدلیل اینکه یک برنامه  
 غیر انقلابی (غیر کارگری) است ، نه مخالفت  
 غیر اصولی و خرده گیری بلکه برخوردی سازنده  
 است و سبب شدن در رفع کاستیها و نادرستیها  
 و خیالها فیما ، ما حتی وقتی که معتقدیم این  
 برنامه در شکل کنونی اش غیر واقعی ، غیر قابل  
 تحقق و در یک کلمه ، تخیلی است (چرایش را  
 بعداً توضیح میدهیم) ، معنایش مخالفت کامل با آن  
 یا ایدی یاس خواندن نیست بلکه همان برخورد  
 انتقادی سازنده و همان ادای سپهد رفع کاستی  
 ها و نادرستیها و خیال بافیها را دنبال میکنیم .  
 بنا بر این ، صرف نظر از اینکه برنامه موقتی  
 مرحلای در شکل کنونی اش تا چه حد در عمل به  
 مورد اجرا در آید و یا اصولاً تا چه حد قابل اجرا باشد  
 کمونیستها در مقابل چنین برنامه ای نخواهند  
 ایستاد ولی با این همه وظیفه دارند ، بی آنکه  
 دوق زده شده و در چار خیالبا می گردند ، از ایجاد  
 توهمات جدید جلوگیری کنند . چنانچه امر مورد پسند  
 بویستدگان برنامه مرحلای باشد و چنانچه  
 محکوم کنند . (۳)

ضد کارگری شاه و خمینی ، به مراتب موقتی تر است  
 ولی چیزی بیش از ، حقوق کارگران ، در کشورهای  
 پورژوازی اروپائی را در بر ندارد . علاوه بر رد  
 سرمایه داری وابسته خارجی . به پذیرش سرمایه  
 داری و بازار ملی ( ) ، مالکیت شخصی و خصوصی و  
 سرمایه گذاری فردی ، اولویت قائل شدن برای  
 کشاورزی ، "احیا صنایع ملی" ( احیا کسب و  
 صنایع ملی ؟ احیا صنایع کوچک ما قبل سرمایه داری ؟ )  
 ، توجه کید به رشد صنایع کوچک و متوسط به ویژه  
 در حوالی روستاها ، از جمله اساسی ترین چشم  
 اندازهای اقتصادی این برنامه بشمار میرود .  
 از طرف دیگر ابدان تضاد نیست که در برنامه  
 همه جا از دهقانان قبل از کارگران نام برده میشود .  
 از این گذشته ، بیشترین توجه برنامه نسبت به  
 اقشار مختلف خرد بورژوازی (در مقام مقایسه  
 با کارگران) ، در بسیاری از مواد برنامه چشم  
 میخورد و بعنوان مثال میتوان دو نمونه زیر را  
 ذکر کرد :

۱ - فصل سوم ، بخش هفتم میگوید :  
 " تا مین مسکن برای روستا نشینان از طریق  
 ایجاد شرکتها ی مناسب روستائی با خدمات  
 ضروری . . .

یا در فصل سوم : بخش یازدهم میخوانیم :  
 " تا مین معیشت و مسکن و تحصیلات کارمندان  
 جزء دولت و دوایر خصوصی و فرزندانشان  
 خصوصاً آموزگاران و دبیران ، و کفو دیون  
 مختلف آنان به مراجع دولتی  
 چه کسی میتواند با تا مین مسکن روستا نشینان  
 و تا مین معیشت و مسکن و تحصیلات کارمندان  
 جزء دولتی و دوایر خصوصی و فرزندانشان بخصوص  
 آموزگاران و دبیران . . . مخالف باشد ؟ فقط تمام  
 حرف در این جاست : وقتی که ( در فصل سوم ،  
 بخش هشتم ) نسبت به کارگران میرسد ، تا مین  
 مسکن و غیره فقط به تلاش برای تا مین مسکن تقلیل  
 میابد .

۲ - در بخش اول ، و دهم از فصل سوم ، شورای با زار  
 و شورای دانشگاهها مطرح میشود . از شورای با زار  
 که بگذریم ، چه کسی میتواند با "شورای دانشگاهها"  
 مخالف باشد ؟ استقلال دانشگاهها و اداره ی  
 دانشگاهها " توسط شورای آنها " یک رفه بریم  
 بورژوازی است و در مقابل کشورهای غربی مورد عمل است .  
 البته ما برخلاف خشک اندیشان مارکسیست ابتدا  
 معتقد نیستیم که چون این رفورم اساساً بورژوازی  
 است پس کمونیستها باید با آن مخالفت کنند . بلکه  
 برعکس . از اینکه شورای دانشگاهها " در برنامه " دولت  
 موقت بر رسمیت شناخته شده از آن استقبال میکنم  
 حرف ما فقط نشان دادن اولویت در برنامه " دولت  
 موقت" به بورژوازی و خرده بورژوازی است و کم توجهی  
 به کارگران . وقتی در برنامه ای به شورای با زار یعنی  
 به شورای سرمایه داران رسمیت بخشیده میشود ما  
 حتی داریم سؤال کنیم چرا سرتاسر برنامه ای دولت  
 موقت " ، اشاره ای به شوراهای کارگری ندارد و در  
 مقابل حتی تعیین میزان مالیات با زاربان به  
 رضایت شورا آنها موکل میشود .  
 در همین جا ، در رابطه با شوراها یک نکته دیگر  
 نیز قابل ذکر است : در بخش ششم فصل اول برنامه

پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی

طلبانه عقاید یا فکر" (فصل سوم بخش چهارم) که حد این زفتیش عقاید معلوم نیست و بهره برنا همه دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی از نظر روستائی بویژه در زمینه حقوق آزاد نهیای دموکراتیک به برنا می یک انقلاب دموکراتیک (بورژوا - دموکراتیک) شباهت دارد - با این تفاوت که دو اصل اساسی انقلابهای دموکراتیک اروپائی دران ظایب است یکی اصل جدائی دین از دولت و دیگری اصل جدائی مدرسه و کلیسا (مسجد) - برنا می دولت موقت بدلیلی که میدانیجه تنها این دو اصل اساسی را نادیده گرفته بلکه بطور ضمنی آنها را تایید میکند . از این دو نکته بسیار مهم کهدر واقع گذشتنی هم نیست که بگردد ریم ، سا سیرا اصل دموکراتیک انقلابهای سیاسی مترقی دران مندرج است که در شرایط کنونی میتواند مورد استفسار کمونیستها قرارگیرد چرا که در مظار حکومت قرون وسطائی دین ساری ، یک گام مهم و اساسی به پیش است .

از نظام شورایی به عنوان "متکامل ترین شکل اداری و اموری کشور و یاداری انقلاب صحبت میشود ولی همین متکامل ترین . . . در بخش سوم فصل سوم تحت عنوان "شوراهای مردمی" چنان رقیق میشود که چیز کم خاصیتی مبدل میگردد . و در اینجا یا تقسیم شوراهای به شوراهای تصمیم گیرنده و شوراهای ضرورتی ، دیگر چیز زیادی از نظام شورائی باقی نمی ماند . و عملاً شوراهای به وسیله ای در دست دولت مبدل میگردد که با این انتصابات مدبران کارخانه ها و فرماندهان ارتش توسط دولت را تصویب کند . در این بخش اعلام میشود که "شوراهای تصمیم گیرنده ما ننداده امور شهر هیچ نیازی به اعمال مرکزیت و سانترالیسم از خارج از شورانندارد" - که این چیززی جز همام شوراهای آباتنی وولایتی مندرج در متمم قانون اساسی سال ۱۹۰۷ نیست . اما بقیه "شوراهای" ، یا "شوروتی" هستند (مشاریه فی الامر) که نیازی به اعمال مرکزیت و سانترالیسم از خارج شورادارند یا شوراهائی "با اختیارا تکمتر یا صرفاً شوروتی" و غیره .

ولی باز بدون اینکه بخواهیم آیهی سیاسی بخواهیم یا بدون اینکه بخواهیم مجاهدین را در هیچ زمینهای باوجود فوق مرتجعی مانند خمینی مقایسه کنیم ، ناگزیر به مقایسه ایم . خمینی قبل از انقلاب سیاسی بهمن ۵۷ ، در بیانیهها و سخنرانیها و مصاحبههای متعدد خود ، بارها هر چند با لحنی عامیانه و عامه پسند ، و نه با عبارات سنجیده می برنا می "دولت موقت" ، که کم و بیش احترام به تمام این حقوق و آزادیهای دموکراتیک را وعده داد و برودایا و افعال خمینی درهما نوقت صرفاً یک شاید بود و تمام آن وعدهها فقط یک "تاکتیک" ریاکارانه بود ؟ بگمانم تنها چنین نیست . تمام آنچه را که خمینی دران ایام وعده داد الزاماً فریب و دروغ و نیرنگ نبود و شاید خمینی تا بهشت زهرا هنوز تشکیل مجلس موسسان را ضروری میدانست . چرا چنین نشد ؟ عوامل بسیاری در این مورد موثر بود از جمله ، اگر از حقایقهای سنجاییها ، بازرگانها و پنی صدرها و بسیاری از نیروهای به اصطلاح ملی گه بگردد ریم ، بخش اعظم این گنا را باید به پای سبب ستمهای مفاشات جویانه ، توجه گردانه ، خیال بافی های فدائیان و مجاهدین نوشت .

● بطوریکه گفته ایم با اینکه در برنا می "دولت موقت" بیشترین توجه معطوف به بورژوازی و اقلات مختلف خرد بورژوازی (از جمله دهقانان) است با اینحال برنا می سیاست ررضی و مسائل روستائی (بخش هفتم ، فصل سوم) دارای ابهامات و ناروشنی های فراوان است . در سیاست ررضی و مسائل روستائی و در هیچ جای برنا می مرحله ای در مورد مصادرمی زمینهای زمینداران بزرگ صحبتی به میان نمی آید و معلوم نیست که در اینحال ، اصلاحات ررضی ریشهای ، چگونه میتواند تحقق یابد . این برنا می خود را به یک شعاررکی غیر صریح محدود میکند : "زمین متعلق به کسی است که بروی آن کشت میکند" . اگر فرض کنیم منظور تلویحی (نه صریح) آن اینست : زمین متعلق به دهقانان است که روی زمینهای زمینداران بزرگ کار میکنند ، در اینحال نیز وضع دهقانان کم زمین ، خوش نشینان ، مهاجران آوارهی روستائی در شهرها همچنان نامعلوم است . در این برنا می اسخ صریحی برای این سؤال نمی یابیم و شاید بتوان حدس زد که یکی از مواد همین بخش هفتما نظر بر احوال آنها باشد که میگوید :

در همین زمینه (جهد در رابطه با گذشته و چه در رابطه با آینده) ، یک نکته بسیار مهم راهیگاه و حتی یک لحظه هم نباید فراموش کرد: خرده بورژوازی پیرکنار از قدرت و خرده بورژوازی درحاکمیت هیچگاه د قیقا به یک زبان سخن نمیگوید . خاستگاه یک طبقه قشری از یک طبقه درحاکمیت (و در اینجا خرده بورژوازی) است که تعیین کننده است ، نه "حسین نیت قلبی" و "سوء نیت بعدی" و یا "حسن نیت" یکی و سوء نیت دیگری . البته - و از این قوای طبقاتی ، سطح مبارزهی طبقاتی جاری درجا - معمو آگاهی یا عدم آگاهی طبقاتی سازمانهائی کمونیستی ، میتواند موضعگیریها و برنامهمعمریهای خرده بورژوازی درحاکمیت را دگرگون کند ، و از یکسو به سوی دیگر سوق دهد .

"سازمان دادن کارگاههای کوچک روستائی برای جذب بیگاران روستائی و گانداختن همه نیروهای مولد روستا" ، که جواب قانع کننده ای در عدم برخورد با مصادرمی زمینهای زمینداران بزرگ نیست . گسترش سطح زمینهای زیرکشت (بندج اصلاحات ررضی اسلامی ؟) ، "احیاء و فعال نمودن اراضی قابل کشت (بندج "الف" بندج "ب") و توسعه کشت های دستجمعی" در صورت امکان (کشت مشایط طرح رضا صفهائی ؟) و غیره نیز مجاوبی است به سؤال طرح شده در فوق و نه به معنای اصلاحات ررضی ریشهای .

● در "برنا می مرحله ای" نگارفران در دیگری هست که با بعلمت ضیق صفحات برنا می پرداختیم ولی اهمیت این نگار شیهیچ مهازنگات یاد شد . کمتر نیست . از این جمله اند قوم خواندن اگراد (فصل اول سوم بخش پنجم) ، وعده دخالت در امور داخلی سایر کشورها و در همینحال حمایت از جنبشهای آزاد بخش (فصل سوم بخش آخر) ، نفی پنهان نمودن فرصت -

از طرف دیگر ، وعدهها و شعارهای مدون و غیر مدون ، هر قدر در زمینهی مسائل روستائی (بویژه حقوق آزادیهای دموکراتیک) در رخشان باشند فی نفسه چیزی را بیان نمیکند ، چه بخواهیم وجه

خواهند شد، کل هزینه‌های آن چه مقدار خواهد بود و این هزینه‌ها از کجا و چگونه تامین خواهد شد. و خصوصاً فراموش نکنیم آنچه پس از رژیم نکبت با رخمینی باقی خواهد ماند یک کشور ویران و مضعل، یک اقتصاد کاملاً ورشکسته است و فقط ترمیم خرابیهای این رژیم شاید سالیان متعادی وقت لازم داشته باشد. ایراد اینجاست که تنظیم کنندگان برنامه بجای برخوردی واقع گرایانه، به جای گرفتن از سرمایه‌داران و دادن به بی چیزان کوشش کرده‌اند با وعده‌های سخاوتمندانه همه کس دل همه را بدست بیاورند. وظیفه‌ی یک نیروی مترقی، دادن وعده‌های غیر عملی، تحقق ناپذیر و خیالفا نه نیست (به محرمان و استثمار شونده‌گان همه چیز دادن، از ثروتمندان و استثمارکنندگان چیزی نگرفتن) بلکه بیان حقایق و واقعیت هاست.

از طرف دیگر، زیباست و بسیار زیباست که همگان (سرمایه‌داران ملی، بازاریان ملی، سرمایه‌گذاران ملی، مالکان خصوصی، زمینداران بزرگ و کارگران، دهقانان، تهیدستان شهری، کارمندان و در یک کلمه، کلیه طبقات و اقشار جامعه) به دور یک سفره بزرگ به نام ایران بنشینند، یکی دستمال سفره‌ی نان خالی، دیگری نان و پنیر، دیگری قابلمه‌ی غذای فقیرانه، دیگری ظرف غذای معمولی، دیگری انواع و اقسام آشپزیه و غذای لذیذ را در مقابل خود قرار دهند، هر کدام بدون اینکه به دستمال، قابلمه، ظرف بشقاب، دیگری نگاه کند، غذای خود را بخورد و با هم گل بگویند و گل بشنوند. در طول تاریخ در جوامع طبقاتی، پیاپیان، فلاسفه، شاعران، مصلحان اجتماعی، مردان سیاسی و غیره چند ده هزار بار چنین تصویری از برادری و اخوت را ترسیم کرده و در عالم خیال به تعطیل مبارزه طبقاتی حکم داده‌اند و چند ده هزار بار این رؤیا به شکست انجامیده است!

در تخیلی بودن بخش اساسی برنامه "دولت موقت" یعنی در زمینه‌ی مسائل اقتصادی و زیربنایی، یعنی برنامه‌ی سازش با سرمایه و با وجود صد ها نمونه تاریخی، گمنازی به غیب گویی نیست. اگر توفیقی در این راه متصور بود لاًقل آن میشد یک نمونه‌ی موفقیت آمیز انرا در یک گوشه از جهان نشان داد. (۴)

پدیرفتن "سرمایه‌داری و بازار ملی" ("!)، "مالکیت شخصی و خصوصی و سرمایه‌گذاری فردی" (فصل سوم، بخش اول، تذکره) و در عین حال وعده‌دادن "مهاجرگونه ستم و استثمار" (فصل دوم، بخش ششم) فقط خیالبا فی محض نیست بلکه به شوخی عم انگیزی شباهت دارد. تجربه‌ای که هزار بار آزموده شده و هزار بار شکست خورد، است. دولت موقت میخواهد بیکار را دیگر آزموده‌ها را بیازماید.

به فردمی که از رژیم وحشی و جانیتکار خمینی جان بجان آمد مانند که بخشی حتی یک کودک تادی دست راستی را با این ترجیح میدهند، وعده‌های مربوط به حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مندرج در برنامه‌ی دولت موقت، بحق خیال انگیز و زیباست ولی چه کنیم که ما (بعنوان مارکسیست که یاد گرفته‌ایم رونما را تابعی از زیربنای بدانیم) اعتقاد نداریم که آن وعده‌ها در چارچوب کنونی برنامه‌ی

بخواهمیم. مسائل زیربنایی یک برنامه‌ی ماست که آخر را میزنند. لاًقل کمونیست‌ها میدانند (و باید بدانند) که در یک برنامه، قبل از هر چیزی باید به برخوردان برنامه‌ی مد زبینه‌ی مسائل اقتصادی توجه عمده کرد. رجوی در برنامه‌ی دولت موقت این به کلام خمینی را که: "اقتصاد مال خراست، و پید رستی به مسخره می‌گیرد. بحث ما در اینجا برسر آن کلام ابلهانهای یک سفینه نیست بلکه برسر این است که جهت گیری یک برنامه در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، یا در چارژان است یا نوعی تلاش برای زکشت به مناسبات تولیدی ما قبل سرمایه یا حرکت بسامت تکامل اجتماعی و یا احتمالاً تلفیق هر سه اینها، جدا قل چیزی که در زمینه‌ی مسائل اقتصادی برنامه "دولت موقت" میتوان گفت، نظروشنی‌ها با بهامات وعد صراحتاً بی است که بران در این زمینه اساسی‌ها به انداخته است.

تردید نیست که برنامه‌ی "دولت موقت" با راهی هد فهای مترقیانه را نیز دنبال میکند ولی متأسفانه راه رسیدن به این هد فها را به تصاپیش نمی‌گذارد. در بدینا نه‌ترین حالات، احساس گز نگر و بی‌اگر کردن را میدهد و در خوشبینانه‌ترین حالات، آن را هد رمیانهای غلیظ ("تاکتیگ") پنهان شده‌است. و مسلماً این حسن یک برنامه نیست که قبل از هر چیز باید در وقت، صراحت، صداقت و قاطعیت داشته‌وخصاً اعتماد را برانگیر همه‌کس را به نوعی راضی کردن و هیچ کس را ترجاندن، در بهترین حالات، غیر عملی و خیالفا نه‌است. یک برنامه‌ی پوپولیستی است که مانند تمام برنامه‌های پوپولیستی تاریخ، ته نداید و در سطح حرکت میکند و در نهایت، به‌نا کجا آباد می‌رسد.

اگر بخوا هی برنامه‌ی "دولت موقت" را در زمینه‌ی مسائل اقتصادی در یک عبارت خلاصه کنیم، باید بگوئیم برنامه‌ی ما بیست که دران کوشش شده تمامی طبقات و اقشار جامعه، کهو بیش راضی شونند و لاًقل هیچ لایه‌ی قشری از یک طبقه، ناراضی نباشد. بهمهم کس کهو بیش همه چیز داد نشود و از هیچکس تقربیل چیزی گرفته نشود. بنوعی باشد که همگان چشم نداز آینده را بر وضع فلاکت با رکنونی ترجیح دهند.

نوشتن یک چنین برنامه‌ی در حرف البته بسیار ساده‌است و متأسفانه مسأله‌ی اینست که چنین برنامه‌ی در عمل تا چه حد قابل اجرا خواهد بود و واقعیت‌ها ی سخت زمینی تا چه حد به خیالبا فی‌ها میدان خواهد داد؟ چرا که هر یک از وعده‌های مندرج در این برنامه، ده‌ها میلیون و میلیاردها تومان هزینه بر میدارد. این هزینه‌ها از کجا و چگونه تامین می‌شود؟ بویژه، همان نظوری که گفته شد این در حالی است که به همه کس چیز وعده داده شـود و از هیچکس چیزی گرفته نشود و مناسبات اجتماعی تغییر نکند. یک برنامه، چه در رژیم پهلوی، چه در رژیم پهلوی، سرمایه‌داری بوجهد رنظام سوسیالیستی، نه‌بروی خیالبا فیها، آرمانخواهی‌ها بلکه بروی رقام و امار و امکانات و براساس یک برنامه ریزی دقیق و همجانیه، بنا میشود، و برای اینکه یک برنامه‌ی نه‌بروی آرمانخواهانه، هر یک از وعده‌های مندرج در برنامه‌ی "دولت موقت" باید دقیقاً محاسبه شود که چه تعداد از افراد از آن برخوردار

"دولت موقت" تحقق خواهد یافت و دقیق تر اینکه دیر یا خواهد بود. آنها که به سوسیالیسم علمی اعتقاد دارند و آنها که به تجربیات فـرـاوان تاریخی مینگرند، چنین حکمی را می پذیرند. ما این حال، بخاطر آرمانهای مردمی قرنهای تحت ستم، امروز میکنیم که این حکم، برای بیکار هم شده، استثنائی نداشته باشد. فرانسویان ضرب المثلی دارند که میگوید: "انکه زنده می ماند، خواهد دید."

نیز گرفت، چه میشود؟ باز همان شاعر معروف خمینی "ته یک کلمه زیاد نه یک کلمه کم، تکرار خواهد شد؟" و باقی ماجراها که میدانیم و میدانید؟ (یک نمونه دیگر از نشانه های بدبینانه را در صفحات بعد ارائه خواهیم داد).

(۳) در آخرین بخش از فصل دوم ("و حیدر بر نامه ریزی در نظر عمل) یعنی قبل از ارائه مواد برنامه مرحله ای دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی (فصل سوم)، پیشاپیش هر گونه انتقاد یا عدم قبول جزئی از برنامه ای حاضر بعنوان "مثله کردن" و از جامعیت آنرا احتیاجی که احتمالاً خواهد در حول این برنامه، همکاری یا اختلاف کند ولی انتقاداتی به آن داشته باشد و یا بر مبنای این برنامه برای رسیدن به یک فصل مشترک به بحث بنشیند، اب در هاون خواهد گویند. آقای مسعود رجوی، بیکار دیگر، تصمیم گرفته است که بگوید: همین است که هست. این "مریت" در زمان صورت میگردد که "دولت موقت" هنوز قدرت را بدستی نگرفته است. این یکی دیگر از همان نشانه های بدبینانه است که قبلاً اشاره شد، این همان برخوردی است که رجوی در خصوص "طرح شدن به میثاق" نیز... این برخورد، غیر اصولی، غیر سازنده، سنگت رستی، خود محور، بینانه و غیر دموکراتیک است که در روند خود، بجای دیکتاتوری قرون وسطائی خمینی میتواند به دیکتاتوری دموکراتیک اسلامی منجر شود.

(۱) در اینجا و همه جا در این مقاله، تاکید از ماست، مگر اینکه تصریح شود. (۲) نشانه های بدبینانه فراوانی در این زمینه وجود دارد. از برنامه می مرحله ای دولت موقت که در واقع برنامه می یک دولت دائمی است که بگذریم، از جمله این نشانه ها، مصاحبه ایست که در دوین هفته ای ورود قهرمانان ری رئیس جمهور کتربنی صدر و برادر مسعود رجوی به پاریس، یکی از هم وطنان مبارز یا برادر مجاهد مسعود رجوی انجام داده است (گدر شماره ۱ - هفته نامه "استقلال" بجای "انقلاب اسلامی" در خارج از کشور، مورخ ۳۱ مرداد ۶۰ چاپ رسید. متن همین مصاحبه در ایران نیز تکثیر شد). مسعود رجوی، در این مصاحبه میگوید:

"با توجه به مرحله کنونی انقلاب ما، جمهوری دموکراتیک اسلامی را پس از تصویب رئیس جمهور آقای بنی صدر به احتمال قریب به یقین این نام تصویب خواهد شد. به دلایل متعدد باید تئوریک و اجتماعی و سیاسی، ما همچون اکثریت قریب به اتفاق مردم روی حضور کلمه انقلابی اسلام در نام جمهوری، اصرار داریم (یعنی نیز به همان دلایل بروی همان نام اصرار داشت) و امید داریم که هیچکس (۱) به دلایل گروهی عقیدتی خاصی خود (۲) انتظار صرف نظر کردن از این کلمه انقلابی را نداشته باشد."

سؤال اینست که در صورت وجود این "اصرار و مخالفت" این انتظار، اگر واکنش های در مورد این نام بوجود آمد و یا اگر مجلس موسسان این نام

(۴) لایحه بلافاصله جواب داده خواهد شد: "الجزایر! بله، بله، الجزایر! کشوری که بیست سال پیش از انقلاب و بدست گرفتن قدرت توسط خرد بورژوازی (مجاهدین الجزایری)، فقر و گرانی (بویژه در زمینه اجاره خانه و مواد غذایی خصوصاً گوشت) و تورم بیداد میکند، همین امروز پیش از هجده هزار تن از کارگران آن فقط در کشور فرانسه مورد استتبار و شدیدترین تحقیرها قرار دارند و ما این حال اند و مخته های ارسالی آنها به الجزایر، بخش مهمی از ارز خارجی کشور را فراهم میکند...."

### ایران و...

بقیه از صفحه ۸

بقیه از صفحه ۸

این حکومت خوشمان بیاید در جهت منافع امریکا است به نقل از ایران شاهر " دوره ی سوم، شماره ی مسلسل ۱۰۳"

"تایمز" در سرمقاله ی اول سپتامبر ۸۱ تحت عنوان "ایران سقوط در هرج و مرج نوشت:

..... اقتصاد تخریب شده، فحطی بیداد میکند، تورم به حد ۵۰ درصد رسیده و حدود چهار میلیون نفر بیکارند. طبقه متوسط عمده است، دهقانان در مظیفه اند، آزادی خیلی بیشتر از زمان شاه سلب میشود و اختناق بیداد میکند. وضع طور است که هیچکس ولو اینکه موافق رژیم هم باشد نمیتواند خود را از حملات یا رانویا گونه ی کسانی که خود را حافظ انقلاب میدانند مصون بداند... بسیاری از سران ارتش از بین رفته اند، هنوز امکان دارد ارتش بتواند بخودی خود قد علم کند و

رژیم را واژگون سازد، حتی میتواند چنین ادعا کند که میخواهد اصول حقیقی اسلامی را از دست کسانی رها سازد که آنرا وارونه اجرا کردند. درست است که برای چنین ادعائی وجود چند اخوند نیز لازم است، اما لایحه اکنون بقدر کافی اخوند ناراضی وجود دارد که بخواهند از نو آغاز کنند (ایران و جهان همان شماره) اینترنشنال هرالد تریبون ۲۰ سپتامبر ۸۱ نوشته بود:

"با اینکه از سقوط شاه بیش از ۳۰ ماه میگذرد هیچ انقلاب ایران هنوز آرام نگرفته و ثبات نیافته است و امروز منافع امریکا در ایران همین (ایجاد آرامش و ثبات) است. وجود یک دولت با ثبات در ایران میتواند تولید نفت را دوباره برقرار ساخته، و از مرزها در مقابل همسایگان فرصت طلب دفاع کند" (بمنقل از نشریه "ایران و جهان" چاپ پاریس شماره ی ۵۳)

# اخباری از...

بقیما ز صفحه ی ۶

این پیروزی روحیه ی بچه ها را بالا برد ما ست و به انهاد در سبک آنها بی در تجربه ی مبارزه علیه عوامل سرکوب مردم ما موخته است که مسلما در آینده مفید خواهد بود .



د بیستان دخترانه ی آزادگان بالاتر از پل رومی واقف شد هود رحدود ۲۳ نفر دانش آموز دارد تمام کلاسها و راهروها با بیفون ، که مرگ زش در ۲ فترانجمن اسلامیست ، کنترل میشود . در تاریخ ۲ ایان به دانش آموزان گفته شد که دستور "دائره مبارزه با منکرات" باید در هنگام ورود به کوجهای که مدرسه در آن واقف شده است ، حجاب بسر داشته باشند .

جاسوسان رژیم در مدرسه برای اسالگرد ۳ آبان از اخوندی برای احرای مراسم دعوت بعمل می آورند ، ولی ود روز موعود در مراسم حاضر نمیشود و در نتیجه بچه ها پس از سه ساعت معطلی در زیر باران روانه منزل میگرددند . روز بعد انجمن اسلامی دبیرستان میپردازند . پس از اینکه خواندن سرود های بی سرورته به مدت یک ساعت و نیم طول می انجامد ، دانش آموزان اعتراض کرد ه تقاضا میکنند که یا به منزل و یا به کلاس درس بروند . ولی اعضای انجمن اسلامی همچنان به خواندن سرود ادامه میدهند ، سایر دانش آموزان نیز شروع به خواندن سرود های میل سرود بهاران خجسته یاد رفیی دانشیان ، و برپا خیزه زحاک بنا کاخ دشمن میکنند بد نیال این امر ، مسکولین مدرسه ناچار میگرددند خیسلی سریع مراسم نماز برپا کرده و مدرسه راهم تعطیل کنند . و به این ترتیب انجمن اسلامی ومسکول امور تربیتی ( که قبلا از دانش آموزان خواسته بود در ادب شعارها و خواندن سرود های انجمن اسلامی شرکت حویند ) با پاسخ دندان شکنی روبرو میشوند .



روز ۴ مهرماه یک اتوبوس حامل پاسداران مقابل دبیرستان دخترانه ی راستین ، پائین تر از پل رومی ، توقف و دانش آموزان بی حجاب را دستگیر میگردد . و هنگامیکه یکی از دختران دانش آموز اعتراض میکند ، یکی از پاسداران پاسخ میدهد : "وقتی در کمیته ۸ ضربه شلاق خوردی ، میفهمی که باید روسری سرکنی یا نه ؟" این امر روز ۵ مهر نیز توسط چند پاسدار در لباس شخصی تکرار میگردد . انهاد دختران بی حجاب را متوقف کرده و با فحش و ناسزا ز آنها میخوشتمند که یا یک ورقه تعهد نامه را امضاء کنند و یا خود را برای ۸ ضربه شلاق آماده سازند .



در هنرستان پسرانه ی واقع در بهارستان از هنر جوان مرتبا تفتیش بدنی به عمل آورده میشود . در این هنرستان ، خواندن نماز برای سالهای پایین

اجباری و بالعکس برای سالهای سوم و چهارم اخباری نیست . گویا این امر بدلیل تعداد زیاد دانش آموزان سالهای بالاست . این امر سبب میشود که حزب اللهی های معدود هنرستان نتوانند اوضاع را تحت کنترل داشته باشند . قبلا هم یک بار ناظم حزب اللهی هنرستان که به یک دانش آموز سال چهارم به "جرم خندیدن در موقع نماز سلیبی زده بود ، شدیدا مورد اعتراض سایر دانش آموزان واقع گردید .

## علت تأخیر انتشار رهائی

پس از انتشار رهائی شماره ی ۱۰۹ اشکالات امنیتی متعددی موجب توقف انتشار نشریه شد . در ابتدا در نظربود که تغییرم اشکالات شماره ۱۰۹ همراه با توضیح ضرورت توقف کوتاه منتشر شود ولی این نیز میسر نشد و بنا بر این انتشار رهائی بدون توضیح به رفقای خواننده به مدت چند هفته متوقف ماند . از این لحاظ از خوانندگانسی که نگران توقف انتشار رهائی بودند پیوزش می خواهم . برای عده ی معدود دیگری که این امر را حمل بر اختلافات درون سازمانی کرد ماند باید توضیحا بگوئیم که هرگاه برسر مواضع مشخصی اتفاق نظر در درون سازمان وجود نداشته ، رهائی همه نظرها را بی پروا منتشر ساخته و جای برای تحمیل اعمال نظر باقی نگذاشته است . بنا بر این اساس نیازی به استفاده از چنین شگردهائی نداشته است .

بهر حال انتشار رهائی به همان مضمون سابق ادامه می یابد . امید داریم به تنهاما بلکه همه سازمانهای چپ دیگر انجانا امکانات وسیعی یابند که تسرور و خفقان رژیمهای ارتجاعی نتواند در کار مبارزاتی آنها حتی توقف کوتاهی ایجاد کند .

با امید آنروز

## توضیح

در شماره ی ۱۰۹ رهائی بخشی از سلسله مقالات راجع به اصلاحات ارضی (بندج و د) چاپ شد . در این فاصله واقعیت رژیم جمهوری اسلامی ثابت کرد که چستی انجام این اصلاحات نیم بند و در همین از عهد مان خارج است . بندهای چ و د و احکامات نویه خزعلات دیگر زود تر از آنها انتظار میرفت به گورستان سپرده شدند . در این شرایط ادامه انتشار مقالات با موضوع است . باشد تا چرخشی دیگر ترفندی تازه تر احواله دهد .

# اخباری از:

## مقاومت دانش آموزان مدارس تهران

پاسدار مزد کور محمد داکمی صحبت میکند و با زتکیبر میگوید . ولی با زکسی خواب نمیدهد . وی این بار عصا نی شد و به مجروحان با تعدادی از دانش آموزان می پردازد ولی موفقیتی بدست نمی آورد ! بد نیال این شکست اولیه ، پاسداران به زعاب و تهدید دانش آموزان میپردازند و سپس آنها را روانه ی کلاسها میکنند . در مقابل ، دانش آموزان در راهروها اجتماع میکنند و دستجمعی به دادن شعارهایی از قبیل زیر بارستم نمیکنیم زندگی میپردازند . این مقاومت بجهها ، با یورش وحشیانه ی پاسداران اسلحه به دست مواحه میشود که قصد شناسائی عاملین اصلی را دارند . ولی این حمله نیز به علت برخورد دستجمعی بجهها با شکست روبهرو میشود و دانش آموزان د و باره دادن شعار اقدام میکنند .

این باریاسداران با اسلحههای آماده ی شلیک به بجهها هجوم برده ، عده های را کتک میزنند و به ضرب اسلحه آنها را متوقف میکنند . سپس بجهها را به حیاط هدایت کرده و از آنها میخواهند که شعار دهندگان را معرفی کنند . بجهها در پاسخ دو باره میخوانند دستجمعی شعار میدهند .

پاسداران ششول بند رژیم دیکتاتوری که خود را در مقابل مقاومت و مبارزه دستجمعی دانش آموزان ناتوان میبینند ، و با تهدید رور نیکنند نتایج ای نمیگیرند ، د و کلاس سوم را منحل میکنند و بجهها را برهنه بدست بخانه میفرستند . ولی بجهها این عمل پاسداران را بیزاران سوگردن پاسخ مناسبی میدهند .

بعد از آن نیز ، سعی و تلاش پاسداران برای کنار آمدن با بقیه بجهها و فریفتن آنها بی نتیجه ی نصایح اسلامی بجایی نمیرسد و آنها با مقاومت وهو کردن بجهها مواحه میشوند .

در وقت نماز ، پاسداران از دانش آموزان میخواهند که در نماز جماعت شرکت کنند ، ولی به ججز چند معلم ( از ترس ) و انفرادی انجمن اسلامی کسی در نظر شرکت نمیکند و تلاش پاسداران برای وادار کردن آنها به حایب نمیرسد . بناچار این بار با دانش آموزان هم انفرادی وهم بطور گروهی به بحث میپردازند که بی نتیجه باقی میماند .

پاسداران ، بالاخره دست از بیادرا زتر و با شکستی مفتضحانه انروزمدرسه را ترک کردند که ای خود باعث انفرادی و با بیاین آمدن روحیه ی اعضای انجمن اسلامی و سایر جاسوسان رژیم درمد رسه شد . گرچه هنوز کلاسها توسط آنها بلاتکلیفد و مبارزه برای بازگرداندن آنها به مدرسه با یادادامه یاید ، ولی



اصال به لطف میرنیزه ی د زخیمان جمن صوری اسلامی و جنتا پتکارانی چون محمدی گیلانی و لا جوردی که فصل تا بستن را بطورلا ینقطع به اعدام ما ، زمین ، و در میان آنها تعداد کثیری از دانش آموزان مبارز پرداختند . انجمنهای اسلامی از او با صل مهربم جولان درمداری مشغول بودند . از همان ابتدا در بسیاری ازمدارس تفتیشی برقرار شد . درمدارس و خترانها این امر عمدتا به بیانه ی جستجو برای لو ازم آرایش و درمدارس پسرانه بهانه ی

یافتن سیگار دنبال شده است . به دانش آموزان اخطار شده است که در صورت دیدمشدن بدون حجاب اسلامی ( درمد رسه و درراه مدرسه و مواقع دیگر ) اخراج خواهند شد .

درمدارس متعدد دی ( از جمله چندین مدرسه مشهد و تهران ) بردن کیف به مدرسه ممنوع گشته است و رنگبندی مدارس ازبیت نام دانش آموزان شناخته شده ی هوا دار سازمانهای سیاسی خودداری به عمل آمده است .

در تعدادی ازمدارس ، برخی از دانش آموزان را در سرکلاس درس با زداشت و به رندان بردمانند . ولی علیرغم جوشدید اختناق که رژیم زنجیر گسیخته ی جمهوری اسلامی سعی در برقراری آن درمدارس دارد ، مبارزات دانش آموزان بر علیه جاسوسان رژیم درمدارس ویرانی کسب مدد ازادی ادامه دارد . درربر به گزارش چندین نمونه از این مبارزات میپردازیم .



روز چهارشنبه آبان ۱۳۶۰ جاسوسان انجمن اسلامی دبیرستان پاسدار شهید ( درمحل دبیرستان خوارزمی پسران واقع در تقاطع خیابان آنا تول فرانس سابق و قدس کنونی ) با مشتاقی به کمیته خبر میدهند که شاگردان دبیرستان بطور منظم در سر کلاسها حاضر میشوند و هر زمان که ما یکنند مدرسه را ترک میکنند ، و از کمیته برای برقراری "نظم" یساری میخواهند .

حدود پاسدار کمیته برای استقرار حکومت انجمن اسلامی برمد رسه و کنترل اوضاع به مدرسه می آیند . در رنگ تفریح ، هنگامیکه دانش آموزان صف می کشند ، یکبار زبایدارن به پشت بکنند گسو میروند . و برای دانش آموزان در ریاره ی وظایف یک دانش آموز مسلطان در شرایط کنونی سخنرانی و آنها را نصیحت میکنند و سپس تکبیر میگوید . ولی از جمع . . . نفری دانش آموزان کسی پاسخ نمیدهد .

# مرگ برامپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا